

ظرفیت های نظام بین المللی حقوق دریاها

و کنوانسیون ۱۹۸۲ در تغییرات اقلیمی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۳/۲۶)

رامین اسماعیلی

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب

چکیده

هدف این مقاله ارزیابی ظرفیتهای مواجهه نظام بین المللی حقوق دریاها و کنوانسیون ۱۹۸۲ در تغییرات اقلیمی است که به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مواد کنوانسیون ۱۹۸۲ و تأثیرات احتمالی تغییرات اقلیمی بر خطوط مبدأ می پردازد و نتیجه می گیرد که باوجود آنکه کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۱۹ به معضل تغییرات احتمالی بعدی در محل نقاط پایه بی توجه بوده و در این رابطه سکوت کامل دارد، با این حال تفسیرهای حقوقی از کنوانسیون حقوق دریاها می تواند به کشورهای ساحلی و مجمع الجزایری این امکان را بدهد که در برابر تغییرات سطح دریا، از حقوق خود در زمینه خطوط مبدأ و مناطق دریایی موجود محافظت کنند. در حالی که همبستگی جهانی برای مقابله با تغییرات اقلیمی وجود دارد، اما اقدامات عملی و تعهدات جدی از سوی کشورها برای تحقق اهداف این اسناد هنوز ناکافی است. همچنین افزایش گازهای گلخانه ای و آسیمی که محیط زیست اقیانوس ها وارد می نمایند ارزیابی تعهدات کشورهای منتشرکننده را از منظر کنوانسیون حقوق دریاها دوچندان می کند. بند ۴ ماده یک و بخش دوازدهم کنوانسیون، برانتشار گازهای گلخانه ای بعنوان آلوده کننده محیط زیست دریاها و تعهدات اعضا جهت حفاظت از محیط زیست دریا در مقابل انتشار این گازها تاکید می کند. علیرغم توجه گسترده به تغییرات اقلیمی و آثار مخرب آن، تعداد کمی از دعاوی حقوقی به این موضوع پرداخته اند. در حالی که کنوانسیون

حقوق دریاها ابزارهایی را برای حل و فصل اختلافات دریایی ارائه می‌دهد که می‌توان آثار تغییرات اقلیمی مانند انقراض گونه‌ها، آلودگی دریا و افزایش سطح آب دریاها را اثبات و در آینده از بروز آنها جلوگیری کرد. طبق کنوانسیون حقوق دریاها، کشورها در صورت بروز اختلاف، حق انتخاب مرجع رسیدگی و همچنین روش داوری را دارند. به طور پیش‌فرض، روش داوری در نظر گرفته می‌شود، اما کشورها می‌توانند سایر مراجع قضایی بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری یا دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها را نیز انتخاب کنند.

واژگان کلیدی: تغییرات اقلیمی، کنوانسیون حقوق دریاها، خط مبدأ، گازهای گلخانه‌ای، آلودگی محیط‌زیست دریا

مقدمه

امروزه تغییرات اقلیمی بعنوان یک چالش جدی در حقوق بین‌الملل مطرح است زیرا تأثیر تغییرات اقلیمی بر تنوع زیستی دریایی، تنظیم تولید گازهای گلخانه‌ای، تولید گازهای گلخانه‌ای از طریق حمل و نقل دریایی و فعالیت‌های مهندسی اقلیمی در اقیانوس‌ها، مسائلی هستند که نیاز به ارزیابی مجدد از منظر حقوق بین‌الملل دریاها دارد.^۱ باتوجه به اینکه کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینه حقوق دریاها و کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی به ترتیب چارچوب قانونی در زمینه حقوق دریاها و حقوق آب و هوایی در سطح بین‌المللی هستند لذا سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا حقوق بین‌الملل دریاها به اندازه حقوق اقلیمی قادر به مواجهه با چالش‌های جدید ناشی از تغییرات اقلیمی هست یا خیر؟ هرچند کنوانسیون حقوق دریاها مستقیماً به مسئله تغییرات اقلیمی اشاره نکرده است اما می‌توان از ظرفیت‌های حقوق دریاها برای مواجهه با تغییرات اقلیمی استفاده نمود. حقوق بین‌الملل دریاها امروزه با چالش مبارزه با تغییرات اقلیمی روبه‌رو است و این امکان پیش روی آن است که نقش اساسی در این زمینه ایفا نماید. موضوع تغییرات اقلیمی در کنفرانس سوم حقوق دریاها (۱۹۸۲-۱۹۷۳) مورد بحث قرار نگرفت اما می‌توان با تفسیر مقررات متعدد این کنوانسیون، خلاءهای موجود در زمینه تغییرات اقلیمی را پر نمود، به خصوص اگر مقررات مربوط به حمایت و حفاظت از محیط-زیست دریایی و تحقیقات علمی دریایی مندرج در فصول دوازدهم و سیزدهم کنوانسیون را مدنظر قرار داد.^۲ در این خصوص با استناد به اصول و قواعدی از جمله قانون مؤخر و قانون خاص در رابطه با معاهدات می‌توان قائل به این امر بود که کنوانسیون تغییرات اقلیمی مؤخر

^۱ Guifang (Julia) Xue, ۲۰۱۳, Climate Change Challenges and the Law of the Sea Responses. In Oliver C. Ruppel, Christian Roschmann and Katharina Ruppel-Schlichting, Climate Change: International Law and Global Governance. Volume I: Legal Responses and Global Responsibility. Baden: Nomos: ۵۴۹-۵۹۲, ۵۵۰.

^۲ Stephen L. Kass, ۲۰۱۲, United Nations Convention on Law of the Sea and Climate Change. New York Law Journal. Available at <https://www.clm.com/>. Last access ۲۴ September ۲۰۱۹.

بر کنوانسیون حقوق دریاها است و قانون مؤخر بر قانون مقدم اولویت دارد. بااینحال تا جایی که معاهده مقدم با معاهده مؤخر مغایرت نداشته باشد در آن زمینه قابلیت اجرایی دارد. اگر کنوانسیون حقوق دریاها با کنوانسیون تغییرات اقلیمی مغایرت نداشته باشد، در زمینه تغییرات اقلیمی قابلیت اجرایی دارد. با توجه به اینکه موضوع تغییرات اقلیمی به صورت خاص در کنوانسیون تغییرات اقلیمی به عنوان قانون خاص ذکر شده، در صورت عدم تعارض کنوانسیون حقوق دریاها با کنوانسیون تغییرات اقلیمی، منعی برای اجرای این کنوانسیون در این زمینه وجود ندارد. استدلال بعدی در این خصوص مسئله رژیم‌های خودبسنده و تغییرات اقلیمی است. تصویب کنوانسیون تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو این امر را به ذهن متبادر می‌سازد که همانند حقوق دیپلماتیک یک رژیم خودبسنده ایجاد شده است. چنین رژیم خودبسنده‌ای از اجرای دیگر منابع و شاخه‌های حقوق بین‌الملل در زمینه تغییرات اقلیمی جلوگیری می‌کند. در حالی که حقوق بین‌الملل دریاها قابلیت آن را دارد که در زمینه تغییرات اقلیمی اجرا شود. مقررات حل‌وفصل دعوی و سازکارهای موجود در کنوانسیون تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو، کارهای مقدماتی و رویه بعدی کشورها، دیگر منابع حقوق بین‌الملل در زمینه تغییرات اقلیمی را استثنا نکرده‌اند. کنوانسیون تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو با توجه به معیارهای دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده کارکنان دیپلماتیک و کنسولی آمریکا در ایران یک رژیم خودبسنده محسوب نمی‌شوند و شاخه‌های دیگر حقوق بین‌الملل از جمله حقوق دریاها در زمینه تغییرات اقلیمی قابلیت اجرا دارد.^۱ از سوی دیگر این مسئله مطرح است که میتوان تعریف «آلودگی محیط‌زیست دریا» را در پرتو تغییرات اقلیمی تفسیر نمود. همچنین می‌توان از ظرفیت‌های موجود در این کنوانسیون برای مبارزه با تغییرات اقلیمی استفاده نمود. زیرا برخی مقررات موجود در کنوانسیون حقوق دریاها این امکان را فراهم می‌کند تا از شدت آثار تغییرات اقلیمی بکاهد.

^۱ Roberto A. Cámara Stougaard-Andresen. ۲۰۱۱. Climate change and the Law of the Sea Convention. Master thesis. Faculty of Law Lund University. ۳۰-۳۱.

مقررات فصل دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها تحت عنوان «حفاظت و حمایت از محیط- زیست دریایی» فصل سیزدهم تحت عنوان «تحقیقات علمی دریایی» و فصل پانزدهم تحت- عنوان «حل و فصل اختلافات» در مواجهه با تغییرات اقلیمی بسیار مرتبط است. نقض تعهدات عام و خاص دولت‌ها در حفظ و مراقبت از محیط زیست دریایی یا تحقیقات علمی دریایی در پرتو تغییرات اقلیمی قابلیت طرح به موجب سازکارهای حل و فصل دعاوی موجود در کنوانسیون حقوق دریاها را دارد و کنوانسیون حقوق دریاها قادر است خلاءهای موجود را پر کند و به چالش‌های موجود در زمینه تغییرات اقلیمی پاسخ دهد.^۱ لذا به نظر می‌رسد حقوق بین الملل دریاها ظرفیت آن را دارد تا با تغییرات اقلیمی مواجهه شود و امکان استفاده از برخی از تعهدات موجود در فصل دوازدهم، پانزدهم و سیزدهم کنوانسیون حقوق دریاها جهت کاهش تأثیرات تغییرات اقلیمی وجود دارد. به خصوص اگر برای رسیدن به این هدف به سازوکارهای اجباری حل و فصل دعاوی مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها توسل جست.

بخش اول: تغییرات اقلیمی

تغییر اقلیم پدیده‌ای است که بر اساس شواهد موجود از زمانهای بسیار دور وجود داشته است. با این حال سرعت و ماهیت تغییر پارامترهای اقلیمی در نیمه دوم قرن بیستم بسیار متفاوت بوده و شتاب بیشتری به خود گرفته است. تغییرات اقلیمی مسئله مهمی است که امروزه جهان با آن روبه‌روست.^۲ امروزه یکی از دلایل اصلی تغییرات اقلیمی فعالیت‌های انسانی است که در رأس آن انتشار گازهای گلخانه‌ای قرار دارد. با انتشار این گازها یکی از مناطقی که به شدت آسیب می‌بیند دریاها هستند، زیرا توانایی بالایی در جذب دی‌اکسید کربن دارند و این جذب منجر به بروز ناهنجاری‌هایی برای محیط زیست دریا می‌شود.

^۱ Meinhard Doelle. ۲۰۰۶. Climate Change and the Use of the Dispute Settlement Regime of the Law of the Sea Convention. Ocean Development and International Law ۳۷(۳-۴): ۱-۴۰. p ۱۱.

^۲ حمیدرضا وارثی، و بختیار محمدی. ۱۳۸۶. نقش عوامل انسانی در تغییرات اقلیمی و ارزیابی اثرات آن، مجله فضای جغرافیایی ۲۰: ۱۳۱-۱۴۹.

بند اول: تغییرات اقلیمی و اقیانوس‌ها

تغییرات اقلیمی موجب افزایش حجم اقیانوسها، بالا آمدن آب دریاها و گرمایش جهانی، فوری‌ترین، قطعی‌ترین، گسترده‌ترین و اقتصادی‌ترین اثرات قابل مشاهده تغییرات اقلیمی بر اقیانوسها است.^۱ گمانه‌زنی در خصوص اثرات تغییرات اقلیمی بر بالا آمدن آب دریاها دشوار است و به ویژگی‌های خاص خط ساحلی، از جمله به ترکیب (شن و ماسه، سنگ، زمین منجمد، و غیره)، حساسیت به فرسایش، شکل و شیب ساحل بستگی دارد. با این حال، حسب برخی پیش‌بینی‌ها اگر گرمایش همچنان با این سرعت ادامه داشته باشد یا شدیدتر شود، انبوهی از یخ‌های قطب جنوب غربی و غربی از بین می‌رود؛ و سطح آبهای جهانی دریا را به میزان شش تا هفت متر افزایش می‌دهد. پیش‌بینی‌های دیگر حاکی از آن است که اگر یخ‌های قطب جنوب فروریزند، سی میلیون کیلومترمربع یخ به اقیانوسها می‌افتد و سطح متوسط دریا به میزان پنجاه و هفت متر افزایش می‌یابد و این بالا آمدن آب دریاها بیشترین اثر را بر کشورهای دارای سواحل پست و جزیره‌ای به‌ویژه کشورهای درحال توسعه کوچک جزیره‌ای خواهد گذاشت.^۱

بند دوم: تغییرات اقلیمی و کشورهای ساحلی و جزیره‌ای

کشور ساحلی باید به‌اندازه کافی بر مناطق حاشیه‌های دریایی خود تسلط داشته باشد تا از صلاحیت خود بر این مناطق و حتی حاکمیت خود حمایت به عمل آورد.^۲ در تعیین دامنه دریایی سرزمینی و سایر مناطق دریایی کشورها، بیش از هر چیز احتیاج به نقاطی است که حدود خارجی مناطق مزبور را بر اساس آنها بتوان اندازه‌گیری کرد. این مهم به عهده خطوط مبدأ است. خط مبدأ خطی است که توسط دولت ساحلی برای اندازه‌گیری عرض مناطق دریایی (دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره و...) تعیین می‌شود. در همان حال خط مبدأ حفاصل میان آبهای مجمع‌الجزایری و دریای

^۱ Clive Schofield and David Freestone ۲۰۱۳، ۴

^۲ C. John Colombos. ۱۹۵۴. The International Law of the Sea . Longmans. London: Green and Co . ۶۸-۷۰.

سرزمینی محسوب می‌شود.^۱ یکی از مهم‌ترین قسمت‌های کنوانسیون حقوق دریاها شناسایی مناطق دریایی مختلف به موجب معیارهای فاصله‌ای که از ابتدا خط مبدأ اندازه‌گیری می‌شود، هست. بالا آمدن آب دریاها و پیشروی خط مبدأ ممکن است چالش‌های جدی را در روابط دولت‌ها ایجاد کند، به‌صورتی که می‌تواند بر سیستم خطوط مبدأ و حق برخورداری از مناطق دریایی تأثیر بگذارد. علاوه بر تهدیداتی که تغییرات اقلیمی نسبت به زمین دارد، بالا آمدن آب دریاها، تغییرات در ساحل و خطوط مبدأ منجر به غرق شدن احتمالی نقاط کلیدی خطوط مبدأ می‌شود که می‌تواند تأثیر زیادی بر ادعاهای ملی بر برخورداری از مناطق دریایی داشته باشد. تغییر در خطوط مبدأ و مناطق دریایی که هر کشور ساحلی حق برخورداری از آنها را دارد، به احتمال زیاد منجر به آثار عمیق اقتصادی و صلاحیتی برای کشورها خواهد شد، زیرا حق برخورداری از این مناطق دریایی اشاره بر حق بهره‌برداری از منابع ارزشمندی دارد، که ممکن است از بین برود. به نظر می‌رسد کشورهای جزیره‌ای کم‌ارتفاع، مانند کریباتی، مالدیو، جزایر مارشال و تووالو که از لحاظ جغرافیایی دارای سرزمین‌های محدود و پست هستند، در برابر این تهدیدات آسیب‌پذیرتر هستند.^۲

بخش دوم: خسارتهای فرامرزی محیط‌زیستی در تغییرات اقلیمی و تعهدات کلی

کشورها

اگرچه کنوانسیون تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو مقررات روشنی در مورد جبران خسارات ناشی از

تغییرات اقلیمی ندارند، اما دولت‌ها به موجب این دو سند حقوقی تعهد کلی برای جلوگیری از خسارتهای فرامرزی نسبت به محیط زیست دارند همان گونه که در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ و اصل ۲ اعلامیه ریو ۱۹۹۲ این تعهد تأیید شده است. تعهد به جلوگیری

^۱ ساسان صیرفی. ۱۳۹۲. حقوق بین‌الملل عرفی خط مبدأ مناطق دریایی؛ با نگاه ویژه به خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان. رساله دکتری. دانشگاه تهران. ۲.

^۲ Clive Schofield and David Freestone ۲۰۱۳. ۵

از خسارات فرامرزی زمانی مطرح می شود که واجد شرایط تعهد به موجب حقوق بین الملل آن گونه که توسط دیوان بین المللی دادگستری در رأی مشورتی مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاحهای هسته ای تأیید شده است، باشد.^۱ در این رأی اشاره شده است که وجود تعهد بین المللی دولتها برای تضمین احترام به محیط زیست دیگر دولتها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی در خصوص فعالیت های در حدود صلاحیت و کنترل خود، بخشی از مجموعه مقررات بین المللی مربوط به محیط زیست است.^۲ بسیاری از موافقتنامه های زیستمحیطی چندجانبه نیز حاوی این تعهد هستند. از جمله کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ (مواد ۲-۱۹۴) و کنوانسیون تنوع زیستی سال ۱۹۹۲ (ماده ۳).^۳ همچنین با توجه به مواد پیش نویس جلوگیری از آسیب های فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک که توسط کمیسیون حقوق بین الملل تهیه شده،^۴ دولتها متعهد هستند اقدامات یکجانبه برای جلوگیری از خسارات فرامرزی قابل توجه به محیط زیست انجام دهند یا در خصوص هر واقعه ای ریسک ناشی از فعالیت های خود را به حداقل برسانند.

بند اول: مقررات کنوانسیون حقوق دریاها در زمینه آثار تغییرات اقلیمی

وظیفه اصلی هر دادگاهی که برای استنباط، اجرا و تفسیر یک معاهده فراخوانده میشود، آن است که به هدف تصریح شده طرفین معاهده تحقق بخشد. قواعدی که به تفسیر اسناد بین المللی مربوط است به قواعد تفسیر قوانین و مقررات نظامهای حقوقی داخلی شباهت دارد. به دلیل آنکه قواعد تفسیر قوانین بر پایه اصول منطقی استوار است، میتوان گفت که تقریباً میان تمام ملتهای متمدن مشترک است.^۵ نمونه ای از این موارد قانون سابق و قانون خاص است. قانون لاحق قانون سابق را نسخ میکند و قانون خاص تخصیص زننده قانون عام

^۱ Roberto A. Cámara Stougaard-Andresen ۲۰۱۱، ۴۴.

^۲ Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons. Advisory Opinion of ۸ July ۱۹۹۶، ۱۹، Paragraph ۲۹.

^۳ Convention on Biological Diversity - Rio ۱۹۹۲. Entered into force on ۲۹ December ۱۹۹۳.

^۴ Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, Report of the International Law Commission on the Work of its fifty-third session, ۲۰۰۱.

^۵ Roberto A. Cámara Stougaard-Andresen ۲۰۱۱، ۳۰.

است. ماده‌ی ۳۰ کنوانسیون حقوق معاهدات، مقرر میدارد که اراده دولتها در معاهدات مؤخر، بر معاهدات مقدم برتری دارد، مگر آنکه دولتها برخلاف آن توافق نمایند و یا آن را مشروط به استثناء خاصی نمایند.^۱ این اصل اغلب در موافقتنامه‌های چندجانبه به منظور وضوح بیشتر گنجانده میشود. چنین موردی در ماده‌ی ۱۱۳ کنوانسیون حقوق دریاها به وضوح بیان شده است: «این کنوانسیون بین کشورهای عضو، نسبتبه کنوانسیونهای ژنو در مورد حقوق دریاها مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۵۸ تفوق خواهد داشت»^۲ در این رابطه ممکن است تعارضات احتمالی میان کنوانسیون حقوق دریاها و کنوانسیون تغییرات اقلیمی مطرح شود، به دلیل آنکه کنوانسیون تغییرات اقلیمی مؤخر است و قانون مؤخر ایجاب میکند قواعد آن اولویت داشته باشد. البته هدف آن نیست که این دو سند بین المللی حتماً متعارض جلوه داده شوند، بلکه هدف این است که کنوانسیون حقوق دریاها در صورت عدم وجود تعارض با کنوانسیون تغییرات اقلیمی در زمینه تغییرات اقلیمی اجرا شود. قانونی که به‌طور خاص به موضوعی ارجاع می‌دهد بر قانونی که به شرایط عام مرتبط است، برتری دارد.^۳ تغییرات اقلیمی به طور دقیق در کنوانسیون تغییرات اقلیمی مطرح شده است. باین حال هدف این نیست که کنوانسیون تغییرات اقلیمی در این زمینه بر کنوانسیون حقوق دریاها برتری یابد، بلکه هدف این است که تا جایی که این دو کنوانسیون در تعارض با یکدیگر نباشند، قانون عام یعنی کنوانسیون حقوق دریاها از اجرا در زمینه تغییرات اقلیمی منع نشود. دیدگاه مقابل ممکن است آن باشد که رژیم تغییرات اقلیمی نوع خاصی از قانون خاص است که از اجرای کنوانسیون حقوق دریاها در زمینه تغییرات اقلیمی چه تعارضی در این حوزه از حقوق بین-الملل وجود داشته باشد چه وجود نداشته باشد، جلوگیری میکند.^۴ باین حال با مذاقه در کنوانسیون تغییرات اقلیمی به عنوان قانون خاص شاهد مقررهای نیستیم تا از اجرای

^۱ Vienna Convention on the Law of Treaties, Article ۳۰.

^۲ The Convention on the Territorial Sea and Contiguous Zone; Convention on the High Seas; Convention on Fishing and Conservation of the Living Resources of the High Seas; and Convention on the Continental Shelf. UNCLOS, Article ۳۱۱.

^۳ Roberto A. Cámara Stougaard-Andresen ۲۰۱۱, ۳۱.

^۴ Roda Verheyen, ۲۰۰۵. Climate Change Damage and International Law. Boston: Nijhoff, ۱۳۹.

کنوانسیون حقوق دریاها و دیگر معاهدات بین‌المللی در زمینه تغییرات اقلیمی جلوگیری کند.

بخش سوم: تعهدات کشورها و تغییرات اقلیمی از منظر کنوانسیون حقوق دریاها

اگرچه کنوانسیون حقوق دریاها به طور مستقیم به مسائل تغییرات اقلیمی اشاره ندارد و در این زمینه سکوت دارد، اما امکان تفسیر و اجرای مقررات آن نسبت به آثار تغییرات اقلیمی به ویژه از طریق مقررات مربوط به بخش دوازدهم و سیزدهم در زمینه حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریا و تحقیقات علمی دریایی وجود دارد. مقررات بخش دوازدهم کنوانسیون در رابطه با حفاظت و حمایت از محیط‌زیست دریا برای ارجاع به مسائل تغییرات اقلیمی کاملاً مرتبط است.^۱ تعهد به حفاظت و حمایت از محیط زیست دریا با مقررات مربوط به جلوگیری از آلودگی محیط زیست دریا که شامل اقدامات کلی برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی از هر منبعی (ماده ۱۹۴) و اقدامات خاص از جمله اقدامات برای مبارزه با آلودگی ناشی از هر منبع زمینی (ماده ۲۰۷)، آلودگی از طریق تخلیه (ماده ۲۱۰)، آلودگی ناشی از کشتیرانی (ماده ۲۱۱) و آلودگی از طریق یا ناشی از جو (ماده ۲۱۲) تکمیل شده است. بنابراین اگر انتشار گازهای گلخانه‌ای به طور خاص در کنوانسیون حقوق دریاها به عنوان منبع آلودگی محیط زیست دریا ذکر نشده، با این حال تفسیر بخش دوازدهم کنوانسیون برای شمول این نوع از آلودگی مطابق با تعریف مندرج در بند ۴ ماده ۱ امکان‌پذیر است. کنوانسیون حقوق دریاها، تعریف گسترده‌ای از آلودگی دریایی، به موجب بند ۴ ماده ۱، ارائه می‌دهد. میتوان گرم شدن و اسیدی شدن اقیانوسها را با تعریف ماده ۱(۴) منطبق کرد و از برخی تعهدات موجود در بخش دوازدهم برای انجام اقداماتی جهت رفع آثار سوء تغییرات اقلیمی استفاده کرد. به ویژه برای مبارزه با آثار تغییرات اقلیمی میتوان از سازکارهای حل و فصل اختلاف موجود در بخش پانزدهم کنوانسیون حقوق دریاها استفاده کرد.

^۱ Bleuenn Guilloux and Romain Schumm ۲۰۱۶، ۸۱.

بند اول: تعهدات در کنوانسیون حقوق دریاها برای حفاظت از محیط زیست دریا

ضرورت حفاظت از محیط زیست از اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم نقطه عطف اعلام اصول بنیادین حقوق بین الملل محیط زیست و یکی از اصول بسیار مهم و حیاتی در حقوق بین الملل محیط زیست که کشورها در مقام دفاع از فعل یا ترک فعل خویش در روابط بین المللی بدان استناد میکنند، است. متعاقب کنفرانس استکهلم که مقررات آن جهان شمول است، تکالیف دولتها در

خصوص جلوگیری از آلودگی در بسیاری از کنوانسیونهای چندجانبه پذیرفته شد، به عنوان مثال میتوان مادهی ۱ کنوانسیون ۱۹۷۲ اسلو و کنوانسیون ۱۹۷۲ لندن در خصوص جلوگیری از ریختن فضولات در دریا را ذکر کرد. دامنه شمول این تعهدات در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها توسعه پیدا نمود، به نحوی که این کنوانسیون تعهدات جامعتری را برای حفظ و نگهداری محیط زیست دریا با کاهش و کنترل آلودگی از هر منبع را وضع نمود. بر طبق مقررات این کنوانسیون دولتها موظف هستند که از هر نوع اقدام منجر به آلودگی در قلمرو حاکمیت کشور دیگر و از انتشار آلودگی به سرزمین سایر دولتها جلوگیری کنند. این مقررات درواقع تعهدات و مسئولیت دولتها را بدون پرداختن به مسئله صلاحیت که به حقوق بین الملل عمومی واگذار شده تبیین می کند. از آنجایی که هر منطقه دریایی خصوصیت جغرافیایی و محیطی خاص خود از قبیل عمق، جریان و سرعت آب، درجه حرارت و میزان نمک را دارد، در کنوانسیون سعی شده است تا دولت ها به صورت منطقه ای با در نظر گرفتن ویژگیهای منطقه ای در تدوین مقررات منطقه ای بر اساس اصول بین المللی در جهت حفظ محیط زیست دریا با همکاری یکدیگر ملزم شوند.^۱ مطابق با مادهی ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها دولتها تعهد به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا دارند. آنها وظیفه دارند از آسیب های احتمالی جلوگیری کنند و اقدامات فعالانه ای برای حفظ و یا بهبود وضعیت فعلی محیط زیست دریا انجام دهند. شرایط گسترده این تعهد منعکس

۱ منصور پورنوری. ۱۳۸۳. حقوق بین الملل دریاها. چاپ اول. جلد اول. تهران: انتشارات مهد حقوق. ۱۵۳-۱۵۴.

کننده‌ی تمایل به ایجاد نظم قانونی برای دریاها و اقیانوسها دارد تا حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریا را ترویج دهد.^۱ در اصل ماده‌ی ۱۹۲ وظیفه اساسی برای جلوگیری از هر نوع آلودگی را مطرح میکند. ماده‌ی ۱۹۴ کنوانسیون نیز وظیفه‌ای بر دوش تمامی دولتها قرار داده تا تمام اقدامات لازم برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی از هر منبعی، را به عمل آورند و برای این منظور از بهترین ابزار در دسترس و مطابق با توانایی هایشان استفاده خواهند کرد. تعهد این ماده تعهد به انجام بهترین تلاش برای کاهش خطر و وقوع هر نوع آلودگی است. حدود ۶۰ ماده از کنوانسیون حقوق دریاها (کل بخش دوازدهم و مواد پراکنده‌ای در سایر بخشها) به

حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا اختصاص داده شده است. کشورهای عضو کنوانسیون حقوق

دریاها، طبق فصل ۱۱ همین کنوانسیون، مکلف به رعایت قواعد، مقررات و آیین‌نامه‌های بین‌المللی جهت جلوگیری از آلودگی محیط زیست بستر عمیق دریاها می‌باشند. در ۵ مارس ۲۰۱۰، اولین رأی مشورتی در مورد فصل یازدهم کنوانسیون حقوق دریاها توسط دولت نائورو درخواست شد. بر این اساس، دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها، طبق بخش اول ضمیمه موافقتنامه ۱۹۹۴ و ماده‌ی ۲۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، دولتها را ملزم به رعایت و تضمین ارزیابی زیست‌محیطی جهت فعالیت اقتصادی در بستر عمیق دریا میداند. کنوانسیون حقوق دریاها دولتها را مکلف مینماید تا در صورت احتمال آسیب یا خطر قریب الوقوع به محیط زیست دریا فوراً دولتهای دیگر را که محتمل است از چنین صدمه‌ای متأثر شوند و نیز سازمانهای بین‌المللی جهانی یا منطقه‌ای صلاحیت‌دار را مطلع سازد و در جهت رفع آلودگی با یکدیگر همکاری نمایند. (ماده‌ی ۱۹۸ و ۹۹۱ کنوانسیون حقوق دریاها). کنوانسیون مزبور به صورت صریح به اصل احتیاط نپرداخته است و در عوض دولتها را

^۱ UNCLOS, Preamble and Myron H. Nordquist (Ed). ۱۹۹۰. United Nations Convention on the Law of the Sea ۱۹۸۲ a Commentary. Vol IV. Dordrecht: Nijhoff Publishers. ۳۶.

مكلف به ارزیابی و اطلاع رسانی در زمینه مخاطرات زیست محیطی میداند.^۱

این مسئله مطرح است که آیا الزام به رویکرد احتیاطی به موجب کنوانسیون حقوق دریاها تعهد به کاهش اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی بر محیط زیست دریا را به همراه دارد؟ در حال حاضر به طرز گسترده‌ای پذیرفته شده که تعریف آلودگی محیط زیست دریا در مادهی ۱ کنوانسیون به اندازه کافی برای پوشش انتشار گازهای گلخانه‌ای گسترده است. تعهد کلی مندرج در مادهی ۱۹۴ کنوانسیون برای اتخاذ تمام اقدامات برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریا ناشی از هر منبعی به موجب اصل احتیاط است. علاوه بر تعهدات کلی مواد زیادی در بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها مرتبط با تغییرات اقلیمی است، از جمله مادهی ۲۰۷ در خصوص منابع آلودگی واقع در خشکی و مادهی ۲۱۲ در خصوص آلودگی محیط زیست دریا از طریق جو. این هدف توسط موافقتنامه پاریس برای حفظ دمای جهانی به میزان کمتر از ۲ درجه سانتیگراد و تلاش برای محدود کردن آن به ۱/۵ درجه سانتیگراد و پیگیری اقدامات کاهنده داخلی نیز دنبال میشود. بنابراین اصل احتیاط را باید در رابطه با تعهدات مندرج در موافقتنامه پاریس مورد بررسی قرار داد. استاندارد رفتاری در مواد ۱۹۴ و ۲۱۲ بسیار کلی است و این سؤال را مطرح میسازد که آیا بخش دوازدهم، دولتها را به اقداماتی فراتر از مقررات مربوط به موافقتنامه پاریس ملزم میدارد. باید خاطرنشان ساخت که اصل احتیاط یک مفهوم متغیر است و تعهدات میتواند در طول زمان با دانش و فناوری علمی جدید متفاوت باشد و بنابراین اقدامات کاهنده باید مرتباً مورد ارزیابی قرار گیرد.^۲ از مجموع مواد مندرج در بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها میتوان نتیجه گرفت که کشورها به خصوص با توجه به بندهای پنج گانه مادهی ۱۹۴ کنوانسیون حقوق دریاها تعهد به اجرای اصل احتیاط در

۱ علیرضا آرشیور، و فرشته بنافی. ۱۳۹۶. جایگاه اصل احتیاط در حمایت از محیط زیست دریا. مجله مطالعات

حقوقی دانشگاه شیراز ۹ (۴): ۳۱-۵۸. ۳۷-۳۸

^۲ Ekrem Korkut. ۲۰۱۸. Implications of Sea-Level Rise for the Law of the Sea. Maritime Affairs and Fisheries ۱۰ (۱): ۱-۹. ۱.

حفاظت و حمایت از محیط زیست دریا به خصوص در رابطه با اعمالی که منجر به تغییرات اقلیمی میشود را دارند. اصل احتیاط در دادگاه بین المللی حقوق دریاها نیز مورد توجه قرار گرفته است.

بند دوم: رژیم کنوانسیون حقوق دریاها و مواجهه با آثار تغییرات اقلیمی

الف) آلودگی محیط زیست دریا در زمینه آثار تغییرات اقلیمی

کنوانسیون حقوق دریاها ظرفیت‌های فراوانی برای اجرا درزمینه‌ی تغییرات اقلیمی دارد، برای آنکه از تغییرات اقلیمی در بستر حقوق دریاها صحبت کنیم، در ابتدا باید به این نکته پرداخته شود که تغییرات اقلیمی قابلیت آن را دارد تا در بستر کنوانسیون حقوق دریاها به عنوان مهمترین سند حقوق دریاها تفسیر شود؟ در این رابطه ابتدا باید به مسئله تعریف آلودگی محیط زیست دریا به موجب بند ۴ ماده‌ی ۱ کنوانسیون حقوق دریاها پرداخت. آلودگی دریایی برای اولین بار از دید علمی توسط گروه بین‌الدولی اقیانوس‌شناسی یونسکو و گروه ویژه کارشناسان سازمان ملل برای جنبه‌های علمی آلودگی دریایی تعریف شده است. تعریف ارائه شده از سوی این دو گروه به دلیل عدم توجه به مواد آلاینده‌ای که اثرات تخریب آنها بلافاصله قابل تشخیص نبودند مورد انتقاد واقع شد. این ایراد با اضافه کردن عبارت «یا احتمال چنین نتیجه‌ای وجود داشته باشد» برطرف گردید و این تعریف اصلاح شده اکنون در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و اکثر کنوانسیون‌های حمایت از محیط زیست دریا گنجانده شده است.^۱ براساس پیش‌نویس پیشنهاد شده توسط کمیته بین دولتی اقیانوس‌شناسی یونسکو و گروه کارشناسان سازمان ملل متحد در زمینه‌های علمی آلودگی دریایی، ماده‌ی ۱(۴) کنوانسیون حقوق دریاها آلودگی محیط زیست دریا را به عنوان «ریختن مواد و انرژی توسط بشر به طور مستقیم و غیرمستقیم در محیط زیست دریا، شامل مصب، که منجر و یا احتمالاً منجر به ورود صدمه و خسارت به منابع زنده و حیات

^۱ رضا اسماعیلی شریف‌آباد. ۱۳۸۰. بررسی ابعاد حقوقی آلودگی دریایی در چارچوب حقوق بین‌الملل با نگرشی بر منطقه خلیج فارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز. ۲.

دریا، زیان به سلامت و بهداشت بشری، وقفه در فعالیتهای دریایی از جمله ماهیگیری و سایر استفاده های مشروع از دریا و لطمه به کیفیت آب مورد استفاده و کاهش مطبوع بودن آن میگردد» تعریف میکند که قسمت اول مربوط به منشأ و محل آلودگی است درحالیکه بخش دوم به اثرات واجد شرایط بودن چنین آلودگی میپردازد که باید به صورت جداگانه به آنها پرداخته شود. بازخوانی مقررات کنوانسیون حقوق دریاها و استخراج تعهدات دولتها به جلوگیری از آلودگیهای ناشی از تغییرات اقلیمی ضروری است. با بالا رفتن درجه حرارت اقیانوسها و همچنین اسیدی شدن آنها لازم است تغییرات اقلیمی در تعریف آلودگی محیط زیست دریا گنجانده شود.

ب) بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها، حفاظت از محیط زیست دریا و مقابله با آثار تغییرات اقلیمی

کنوانسیون حقوق دریاها در تدوین گذاری اصول محیط زیست به دقت و درستی موازنه حقوق و تعهدات را در بخش دوازدهم گنجانده و از این لحاظ سندی پویا و زنده است. در کل سازمان ملل عقیده دارد که کنوانسیون حقوق دریاها منعکس کننده حقوق بین الملل عرفی برای محیط زیست دریا و ارزش آن در موازنهی حقوق و مسئولیت نهفته است. یعنی در این مفهوم حق دریانوردی و استفاده از دریا در همکاری و همزیستی با دریای پاک و احترام متقابل است. دولتها نمیتوانند، از معافیتها و استثنائات اصل مصونیت حاکمیت خود درموردی که اقدامات برای حفاظت و حمایت از محیط زیست دریا ضروری بوده، برخوردار باشند.^۱ بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها به طور کلی به تعهدات دولتها در رابطه با محیط زیست دریا می پردازد. بخش دوازدهم توسط دانشگاهیان به عنوان قانون اساسی محیط زیست دریا معرفی شده که در بخشی منعکس کننده حقوق بین الملل عرفی است و درعین حال اولین بیانیه جامع در زمینه حفاظت از محیط زیست دریا در حقوق بین

۱ بهرام فتحی. ۱۳۹۴. نقش دیوان بین المللی حقوق دریاها در حفظ محیط زیست دریا دانشگاه آزاد تهران مرکزی. ۲۹.

الملل است.^۱ مهمترین دستاورد کنوانسیون حقوق دریاها بخش دوازدهم است که مربوط به تعهد دولتها به حفاظت از محیط زیست دریا است. برخی از مقررات اساسی کنوانسیون حقوق دریاها شامل مادهی ۱۹۲ (تعهد دولتها به حمایت و حفاظت از محیط زیست)؛ مادهی ۱۹۳ (حقوق دولتها در بهره‌برداری از منابع طبیعی)؛ مادهی ۱۹۴ (الزام دولتها به اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری و حفاظت از محیط زیست) و مادهی ۱۹۵ (عدم تبدیل آلودگی از نوعی به نوع دیگر) است.^۲

ج) بخش سیزدهم کنوانسیون حقوق دریاها و ارزیابی آثار تغییرات اقلیمی بر دریاها

به نظر می‌رسد مهمترین سندی که در عرصه حقوق بین الملل دریاها وجود دارد و هر دو مقوله تحقیقات علمی دریایی و حفاظت از محیط زیست (به ویژه دریایی) را مورد اشاره قرار داده و نظام حقوقی هر یک را معین نموده است، کنوانسیون حقوق دریاها باشد. ارتباط و برهمکنش میان این دو موضوع در چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها، به ویژه مفاد مندرج در بخشهای دوازدهم (مربوط به حفاظت از محیط زیست دریایی) و سیزدهم (مربوط به تحقیقات علمی دریایی) این کنوانسیون از اهمیت بسیاری هم در حوزهی نظری و هم عملی برخوردار است.^۳ نخستین مقرر این بخش یعنی مادهی ۲۳۸ مقرر میدارد: «تمام دولت‌ها صرفنظر از موقعیت جغرافی آنها و سازمانهای بین المللی صلاحیتدار حق دارند، منوط به رعایت حقوق و تکالیف سایر کشورها به نحو مقرر در این کنوانسیون تحقیقات علمی دریایی انجام دهند. این مقرر تصریح میکند که تمامی دولتها، از جمله دولتهای محصور در خشکی و دارای وضعیت نامساعد جغرافیایی و همچنین دولتهای غیر عضو

^۱ Moira L. ۱۹۹۱. The Modern Law of the Sea: Framework for the Protection and Preservation of the Marine Environment? Case Western Reserve Journal of International Law ۲۲(۱): ۸۳-۱۰۵. ۸۴. ^۲ فیروز محمودی جانکی و مهدی زکوی. ۱۳۹۶. سیاست جنایی ایران در جرائم علیه منابع آب با تأکید بر قوانین بین المللی. فصلنامه مطالعات حقوق ۱ (۸): ۲۹۶-۲۸۵.

^۳ سید ضیاءالدین مدنی. ۱۳۹۱. محورهای ارتباطی میان تحقیقات علمی دریایی و مقوله حفاظت از محیط زیست دریایی: یک واکاوی حقوقی بینالمللی. اقیانوسشناسی ۳ (۱۱): ۹۱-۹۹. ۹۲.

کنوانسیون حقوق دریاها، از حق انجام تحقیقات علمی دریایی برخوردارند.» به نظر میرسد کشورهای قربانی تغییرات اقلیمی میتوانند فارغ از موقعیت جغرافیایی خود از این مقرر به خوبی بهره ببرند. علاوه بر این ماده ۲۳۸ تصریح میکند که سازمانهای بین‌المللی نیز حق انجام تحقیقات علمی دریایی را دارند. درواقع سازمانهای بین‌المللی مختلفی در تحقیقات علمی دریایی درگیر هستند. نمونه‌هایی از این سازمانهای بین‌المللی عبارتند از شورای بین‌المللی اکتشاف دریا، کمیسیون بین‌دولتی اقیانوس‌شناسی یونسکو و سازمان بین‌المللی آبنگاری. سازمان فائو نیز تحقیقات ماهیگیری را برعهده دارد. سازمان ایمو تحقیقات علمی در رابطه با آلودگی دریایی را انجام میدهد. علاوه بر این چندین نهاد تحت نظارت سازمان ملل متحد، تحقیقات علمی دریایی را هماهنگ مینمایند.^۱ مادهی ۲۳۸ با مادهی ۲۴۰ که به اصول عام برای انجام تحقیقات علمی دریایی میپردازد، تقویت شده است. این اصول شامل موارد ذیل میشوند: اصل مقاصد صلح‌آمیز، استفاده از روشهای علمی مناسب، عدم اختلال در سایر استفاده‌های مشروع از دریا و رعایت مقررات ذی‌ربط در کنوانسیون حقوق دریاها. مادهی ۲۴۱ تصریح مینماید که فعالیتهای تحقیقات علمی دریایی به هیچ وجه مبنایی حقوقی برای ادعا بر هیچ قسمتی از محیط زیست دریاها یا منابع آن ایجاد نخواهد کرد. کنوانسیون حقوق دریاها در بخش سیزدهم نیز در خصوص تحقیقات علمی دریایی یک رژیم قانونی نوین را برای فعالیتهای تحقیقاتی مقرر میدارد که توسط دولتها و سازمانهای بین‌المللی همچون سازمان جهانی هواشناسی و کمیسیون بین‌المللی اقیانوس‌شناسی یونسکو در هر نقطه از دریا انجام میشود. این رژیم همچنین بر نیاز به ارتقاء تحقیقات علمی دریایی (مادهی ۲۴۳) و همکاری بین‌المللی در این زمینه (مادهی ۲۴۲) تمرکز دارد. بند یک مادهی ۱۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از دولتها میخواهد که «به کاهش و کنترل آلودگی با استفاده از بهترین و عملی‌ترین ابزار ممکن و منطبق با توانایی‌هایشان مبادرت ورزند» از دو عبارت «بهترین و عملی‌ترین ابزار ممکن» و

^۱ یوشیفومی، ۱۳۹۵، ۵۲۶-۵۲۷.

«تواناییها» چنین میتوان برداشت نمود که این مقررہ توسعه تدریجی و عنصر نسبیت را مدنظر داشته است، که با پیشرفتهای فناوری و علمی در هر کشور پیوند خورده است. این ماده، تحقیقات علمی مستمر و پایدار را برای بالا بردن سطح دانش هم درباره وضعیت محیط زیست، و پیامدهای فعالیت انسانی بر محیطزیست را پیشفرض قلمداد نموده و ضروری می‌شمارد. آنچنان که میتوان ملاحظه نمود، دو مقولهی «تحقیقات علمی دریایی» و «حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی» به گونه ای تنگاتنگ به یکدیگر پیوند خورده اند و نمیتوان با این بیان کلی، سطحی و نظری صرف که «تحقیقات علمی دریایی مقرر در بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها باید با رعایت مقررات بخش دوازدهم این کنوانسیون در حمایت و حفاظت از محیطزیست به عمل آیند» به گفته ای شعارگونه بسنده کرد. به بیان دیگر ارتباط میان دو مقولهی تحقیقات علمی دریایی و حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی از یکسو دربردارندهی موضوع حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی است که امروزه به تعهدی برای تمامی دولتها (با حدود و ثغور متفاوت) بدل شده است؛ و از سوی دیگر متضمن این واقعیت است که مقوله حمایت و حفاظت از محیط زیست (دریایی)، به خودی خود، نیازمند تحقیقات علمی دریایی است. به عبارت دیگر، هدف عمدهی تحقیقات علمی دریایی (در مقایسه با سایر تحقیقات)، دستیابی به دادهها، اطلاعات و نتایجی است که به کمک حفاظت و حمایت از محیط زیست خواهند آمد که پیش نیاز آن انجام تحقیقات علمی دریایی است.^۱ به نظر میرسد کشورهای قربانی تغییرات اقلیمی میتوانند فارغ از موقعیت جغرافیایی خود از این مقررہ به خوبی بهره ببرند. زیرا با انجام تحقیقات علمی درزمینهی آثار تغییرات اقلیمی بر محیط زیست دریایی و اثبات آثار این تغییرات بر محیط زیست دریایی و جانداران دریایی، میتوان ادعا کرد کشورهای عضو کنوانسیون که در ایجاد این آثار دخیل هستند، بخش دوازدهم کنوانسیون در زمینهی حمایت و حفاظت از محیطزیست دریایی را نقض کرده اند.

^۱ سید ضیاءالدین مدنی ۱۹۳۱، ۹۳.

از آنجایی که گازهای گلخانه‌ای یکی از منابع آلوده‌کننده محیط‌زیست دریا است، تحقیقات علمی دریایی در خصوص آثار گازهای گلخانه‌ای بر محیط‌زیست دریا می‌تواند تعهدات کشورهای منتشرکننده این گازها را به کاهش انتشار مطرح سازد. تغییرات اقلیمی پدیده‌ای جهانی است که بر اکوسیستم‌های دریایی از طریق طیف وسیعی از فرآیندهای فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی تأثیرگذار است. پیش‌بینی و استناد به آثار تغییرات اقلیمی بر محیط‌زیست دریا مستلزم آن است که چنین آثاری در تمام مقیاس‌ها مشخص شوند. با این حال اکثر تحقیقات علمی در زمینه آثار تغییرات اقلیمی بر محیط‌زیست دریا بر بخش محدودی از مکان یا زمان محدود شده‌اند (برای مثال هواشناسی، اقیانوس‌شناسی، بوم‌شناسی) به منظور افزایش دقت چنین تحقیقاتی باید تمام جوانب زمانی و مکانی چنین آثاری مدنظر قرار گیرد. برای مثال تحقیقات گسترده اتحادیه اروپا در این زمینه اطلاعات گسترده‌ای در خصوص چگونگی تأثیر تغییرات اقلیمی بر سیستم‌های دریایی در مقیاس‌های مختلف مکانی و زمانی فراهم کرده است. این تحقیقات در زمینه‌های مختلفی همچون اثرات طولانی‌مدت دی‌اکسید کربن در زیست‌کره و اثرات فوری افزایش دما بر متابولیسم باکتری‌ها است.^۱ با اثبات شمول تغییرات اقلیمی در تعریف آلودگی مندرج در بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون و اثبات این امر که این تغییرات چنین آثاری بر محیط‌زیست دریایی داشته، بحث تعهدات کشورهای صادرکننده گازهای گلخانه‌ای به کاهش انتشار این گازها مطرح می‌شود.

بند سوم: تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت کشتیها از منظر کنوانسیون حقوق دریاها

ماده (۱) ۲۳۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «دولتها برای اجرای تعهدات بین‌المللی خود مربوط به حفاظت و حمایت از محیط زیست دریا مسئول هستند. مسئولیت آنها مطابق با حقوق بین‌الملل است.» حل و فصل اختلافات ناشی از آثار تغییرات اقلیمی نیازمند در نظر گرفتن

^۱ Heip Carlo et al. ۲۰۱۱. Climate Change and Marine Ecosystem Research Synthesis of European Research on the Effects of Climate Change on Marine Environments. Marine Board Special Report. Seventh Framework Programme. ۱۴۲-۱۴۱.

دیگر ابزارهای قانونی همچون کنوانسیون حقوق دریاها و حقوق بین الملل عرفی است. این مقررات برای کشورهای صاحب پرچم در رابطه با کشتی‌های خود و همچنین کشورهای ساحلی و فعالیت‌هایی که تحت صلاحیت آنها انجام میشود، قابل اجراست. در چنین دعاوی قطعاً ماده‌ی ۱۹۴ کنوانسیون حقوق دریاها مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت، زیرا تعهدات کلی دولت‌ها را تعیین مینماید.^۱ شرط ضروری در اینجا کاربرد اصل قابلیت پیش‌بینی به عنوان بخشی از اصل رویکرد احتیاطی است. زیرا تغییرات اقلیمی یک فرآیند طولانی مدت است که دولت‌ها، اگر چنین تغییراتی را در طول تحولات صنعتی خود پیش‌بینی نکنند، می‌توانند به تنهایی مسئول تلقی شوند. به موجب بند ۲ ماده‌ی ۲۳۵: «کشورها تضمین خواهند کرد که در سیستم‌های حقوقی آنها برای پرداخت غرامت فوری و کافی یا سایر راه‌های جبران خسارت در ارتباط با خسارات وارده به وسیله آلودگی محیط زیست دریا توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت صلاحیت آنها، مرجع قابل رجوع در دسترس باشد.» بند ۳ ماده‌ی ۲۳۵، باهدف تضمین غرامت فوری و کافی در قبال در کلیه‌ی صدمات وارده در اثر آلودگی محیط زیست دریا، دولت‌ها را ملزم به همکاری در اجرای حقوق بین الملل موجود و توسعه بیشتر حقوق بین الملل در خصوص مسئولیت حقوقی در این زمینه مینماید. معاهدات مربوط به مسئولیت حقوقی را میتوان به دو دسته تقسیم نمود: معاهداتی که مربوط به مسئولیت حقوقی ناشی از آلودگی نفتی هستند و معاهداتی که مربوط به مسئولیت حقوقی ناشی از سایر آلودگی‌ها می‌باشند.^۲ در این زمینه، اساساً پرونده حقوقی قابل اجرایی وجود ندارد. تاکنون، دو پرونده مرتبط در دادگاه بین المللی حقوق دریاها مطرح شده است. پرونده اول نظریه مشورتی دادگاه بین المللی حقوق دریاها است که توسط شورای مقام بین المللی اعماق دریاها درخواست شد^۳ و مربوط به مسئولیت دولتهایی

^۱ Meinhard Doelle ۲۰۰۶، ۳۲۴.

^۲ یوشیفومی تاناکا، ۱۳۹۵، ۴۵۸-۴۵۹.

^۳ Responsibilities and obligations of States sponsoring persons and entities with respect to activities in the Area. Request for Advisory Opinion submitted to the Seabed Disputes Chamber. ۲۰۱۱.

که به کاوش در منابع منطقه بین المللی اعماق دریاها به موجب اصول حقوق بین الملل محیط زیستی می پردازند، است. پرونده دوم، پرونده ماکس پلانت نزد دادگاه بین المللی حقوق دریاها و تنها پرونده مطرح شده به موجب بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها است. باین حال دیوان در رد دعوای ایرلند برای اقدامات موقت، حتی به بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها اشاره نکرد.^۱ بنابراین، هیچ پرونده مرتبطی وجود ندارد تا به عنوان سابقه موجود قابل اجرا باشد. تاکنون روشهای حل و فصل اختلافات به موجب کنوانسیون حقوق دریاها با سیستم حل و فصل اختلافات کنوانسیون تغییرات اقلیمی تلاقی پیدا نکرده است.^۲ اتخاذ معاهده اقلیم پاریس در سال ۲۰۱۵ به دلیل وجود تعهدات الزام آور ممکن است این دیدگاه را تغییر دهد. باین حال، طرح دعوا بر اساس تعهدات بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها در حوزه آلودگی دریایی و تغییرات اقلیمی، مفهومی نظری است و وقوع چنین دعوای، مباحث مربوط به صلاحیت و چشمانداز موفقیت آن، بستگی به دعوای آینده در این زمینه دارد.

بخش چهارم: سازگاری حقوق بین الملل دریاها برای مقابله با آثار تغییرات اقلیمی

به نظر میرسد کنوانسیون حقوق دریاها میتواند نقش مهمی در مبارزه با آثار تغییرات اقلیمی داشته باشد. تغییرات اقلیمی، در آینده این کنوانسیون نقش اساسی دارد. پیشرفت های فناورانه مانند توسعه مهندسی اقلیمی منجر به مداخلاتی در سیستم طبیعی اقلیمی در مقیاس بزرگ شده و تبدیل به یکی از چالش های قابل ملاحظه حقوق بین الملل دریاها شده است. فناوری جدید نیازمند تفسیر مقررات کنوانسیون در زمینه های سازه ها، ابزارهای تحقیقات علمی دریایی و حقوق و تکالیف کشورها در منطقه انحصاری و اقتصادی است. با توجه به آثار تغییرات اقلیمی، نیازمند یک رویکرد یکپارچه درزمینه حقوق دریاها و رژیم تغییرات اقلیمی هستیم.^۳

^۱ The Mox Plant Case, order of ۳ December ۲۰۱۱. Paragraph ۸۹.

^۲ Meinhard Doelle ۲۰۰۶, ۳۳۱.

^۳ Meinhard Doelle ۲۰۰۶, ۳۳۱.

بخش پنجم: حل و فصل اختلافات ناشی از تغییرات اقلیمی و حقوق بین‌الملل

دریاها

اگرچه رژیم بین‌المللی اقلیمی و تغییرات اقلیمی توجه و نگرانی بین‌المللی را به خود جلب کرده است، تقریباً هیچگونه دعوی‌ای مربوط به آثار تغییرات اقلیمی در مراجع و نهادهای قضایی و شبه قضایی وجود ندارد. باتوجه به نبود یک رژیم مؤثر برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، نیاز مبرمی بر صدور رأی از سوی دادگاهها و مراجع قضایی بین‌المللی برای روشن ساختن تعهدات دولتها در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای وجود دارد. رسیدگی به دعاوی مربوط به آثار تغییرات اقلیمی در مراجعی همچون دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها یا دیوان بین‌المللی دادگستری منافع زیادی برای جامعه جهانی فراهم میکند. مواردی از جمله قانون عام و قانون خاص یا رژیمهای خودبسنده مانع از آن نیست که روشهای حل و فصل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها تا جایی که تغییرات اقلیمی حقوق مندرج در این کنوانسیون را نقض کرده است، اعمال شود. همچنین حقوق تغییرات اقلیمی الزامات یک رژیم حقوقی مستقل و خودبسنده را برآورده نمیکند که مانع از اجرای روشهای حل و فصل اختلافات کنوانسیون حقوق دریاها شود. در بخش اول دریافتیم که معقول است که آلودگیهای ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای در تعریف آلودگی محیط زیست دریا مندرج در ماده‌ی ۱(۴) کنوانسیون گنجانده شود. با در نظر گرفتن تعهدات مربوط به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا و جلوگیری از ایجاد خسارت به واسطه آلودگی، میتوان نتیجه گرفت که دولتهای عضو کنوانسیون به دلیل شکست در کاهش تغییرات اقلیمی و انتشار گازهای گلخانه‌ای میتوانند مسئول تلقی شوند. میتوان نتیجه گرفت که میان تغییرات اقلیمی، آلودگی دریا و تعهدات مذکور رابطه مستقیمی وجود دارد. این نتیجه گیری میتواند ثابت کند که دیوان بین‌المللی دادگستری و دیگر مراجع بین‌المللی به‌موجب کنوانسیون حقوق دریاها صلاحیت رسیدگی به دعاوی که در آنها دولت خواهان در سطوح مختلف از بالا آمدن آب دریاها، گرم شدن و یا اسیدی شدن آبها رنج میبرد، را دارند. بالاین حال،

صلاحیت تنها پیش شرط لازم برای دادگاهی است که در خصوص تغییرات اقلیمی رسیدگی میکند و دولت خواهان باید آسیب وارده به خود را نیز اثبات نماید. به موجب کنوانسیون حقوق دریاها فرصت انتخاب مرجع رسیدگی به همراه روش داوری که گزینه پیش فرض است، وجود دارد. اکثر کشورهای در حال توسعه به طور پیشفرض دیوان داوری موردی را پذیرفته اند که طرح دعوا در آن بسیار پرهزینه تر از دادگاهها و دیوانهای دائمی است و هر طرف حق انتخاب داور را دارد. اگرچه دیوان بین المللی دادگستری و دادگاه بین المللی حقوق دریاها گزینه بهتری برای پروندههای همراه با خواندگان متعدد است، احتمال اینکه دیوان داوری موردی به دلیل پیشفرض بودن تنها گزینه واقع بینانه باشد بیشتر است، مگر اینکه طرفین به انتقال دعوا به مرجع دیگری توافق نمایند. با توجه به نیاز به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، رویه قضایی دادگاه بین المللی حقوق دریاها میتواند زمینه را برای تفسیر کنوانسیون حقوق دریاها و استخراج تعهد به جلوگیری از آلودگی فراهم کند. با توجه به آثار تغییرات اقلیمی بر اقیانوسها از جمله اسیدی شدن اقیانوس، افزایش دما یا افزایش رویدادهای دریایی، رژیم حقوق دریاها این ظرفیت را دارد تا مقررات لازم برای حمایت از دولت‌های تحت تأثیر را فراهم کند. دادگاه بین المللی حقوق دریاها صلاحیت تصمیم گیری در خصوص آثار تغییرات اقلیمی بر محیط زیست دریایی را دارد. دیوان بین المللی دادگستری تاکنون به دعوایی در خصوص آثار تغییرات اقلیمی رسیدگی نکرده است. بااینحال در چند پرونده، به مسئله حفاظت از محیط زیست پرداخته است. این پروندهها به توسعه اصول خاصی که ممکن است در دادرسی‌های مربوط به تغییرات اقلیمی اعمال شود، کمک می‌کند. در صورتی که طرفین اختلاف انتخاب مشترکی بر روی مراجع حل اختلاف در ماده‌ی ۷۸۲ را نداشته باشند مطابق شیوه داوری طبق ضمیمه هفتم کنوانسیون اختلاف حل و فصل خواهد شد. این شیوه حل و فصل اختلاف به لحاظ اینکه اکثر کشورهای تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری یا دادگاه بین المللی حقوق دریاها را نپذیرفته‌اند، در خصوص دعاوی مربوط به آثار تغییرات اقلیمی محتمل‌ترین

شیوه حل و فصل اختلاف در دسترس کشورهای ساحلی به‌ویژه کشورهای کوچک جزیره‌ای است. کنوانسیون حقوق دریاها یک چارچوب گسترده برای اتخاذ و اجرای اقداماتی علیه منابع مختلف آلودگی دریا است و مسئولیت دولت‌ها را برای نقض تعهداتشان مطرح می‌سازد. این کنوانسیون می‌تواند به عنوان یک سازکار و راهبرد مهم برای مبارزه با آثار تغییرات اقلیمی بر اقیانوسها عمل کند. طرح چنین دعاوی به موجب روشهای حل و فصل اختلافات مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها میتواند آثار ناشی از تغییرات اقلیمی از جمله انقراض گونه‌ها، آلودگی دریا و بالا آمدن آب دریاها را اثبات کند. با توجه به تعریف وسیع کنوانسیون از آلودگی محیط زیست دریا، این کنوانسیون پتانسیل بالایی برای ارائه ابزارهایی برای جبران خسارات کشورهای تحت تأثیر از جمله کشورهای در حال توسعه کوچک جزیره‌ای در اثر تغییرات اقلیمی دارد.

نتیجه‌گیری

ماده ۵ کنوانسیون حقوق دریاها در خصوص بالا آمدن آب دریاها ساکت است و مقرره‌ای در خصوص جابجایی خط ساحلی ندارد اما در پاسخ به چالش‌های موجود در زمینه تأثیر تغییرات اقلیمی بر خطوط ساحلی به نظر می‌رسد اصلاحات رسمی نسبت به کنوانسیون حقوق دریاها به دلیل پیچیدگی روشهایی که در بردارد، بسیار بعید باشد. حقوق بین‌الملل دریاها مقررات قابل ملاحظه‌ای برای متعهد نمودن کشورهای عضو به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای دارد. در این رابطه، ابتدا به این مسئله پرداخته شد که تغییرات اقلیمی چگونه در بستر کنوانسیون حقوق دریاها به‌عنوان مهمترین سند حقوق بین‌الملل دریاها تفسیر شود. به دلیل آنکه کنوانسیون تغییرات اقلیمی نسبت به کنوانسیون حقوق دریاها مؤخر است و قانون مؤخر بر قانون مقدم اولویت دارد، ممکن است تعارض احتمالی میان این دو کنوانسیون در زمینه تغییرات اقلیمی مطرح شود. با اینحال تا جایی که این دو کنوانسیون در تعارض با یکدیگر نباشند، قانون عام یعنی کنوانسیون حقوق دریاها از اجرا در زمینه مسائل مرتبط با تغییرات اقلیمی منع نمی‌شود. در رابطه با تعهد به حمایت و

حفاظت از محیط زیست دریا به این نتیجه رسیدیم که از آنجایی که انتشار گازهای گلخانه‌ای از طریق گرم شدن، بالا آمدن آب دریاها و اسیدی شدن اقیانوسها سبب آسیب به محیط‌زیست دریا می‌شود، منطقی است که استدلال نماییم اقدامات دولت‌ها جهت مقابله با کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای موفق نبوده و در نتیجه تعهد به حفاظت و حمایت از محیط‌زیست دریا را نقض کرده اند. ممکن است اثبات رابطه بین خسارت به محیط‌زیست دریا و انتشار گازهای گلخانه‌ای سخت باشد، اما توافقات محیط‌زیستی و گزارش هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی در این زمینه مفید است. از مجموع مواد بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها نیز نتیجه گرفته شد که کشورها، به خصوص با توجه به بندهای پنجگانه ماده‌ی ۱۹۴، متعهد به رویکرد احتیاطی در حفاظت و حمایت از محیط‌زیست دریایی، در رابطه با اعمالی که منجر به تغییرات اقلیمی می‌شود، هستند. در مجموع کنوانسیون حقوق دریاها، گامهای مهمی در زمینه وضع مقررات جامع برای جلوگیری از آلودگی دریا در اقیانوسها و همکاری در این زمینه برداشته است، که قابلیت تسری به آلودگیهای ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای را نیز دارد. از آنجایی که گازهای گلخانه‌ای یکی از منابع آلوده‌کننده‌ی محیط‌زیست دریا است، تحقیقات علمی دریایی در خصوص آثار گازهای گلخانه‌ای بر محیط زیست دریا میتواند تعهدات کشورهای منتشرکننده‌ی این گازها را به کاهش انتشار مطرح سازد. رژیم حل و فصل اختلافات کنوانسیون حقوق دریاها ظرفیتهای فراوانی برای شروع رسیدگی قضایی علیه کشورهای منتشرکننده‌ی گازهای گلخانه‌ای دارد. کنوانسیون حقوق دریاها بخش پانزدهم خود را به حل و فصل اختلافات اختصاص داده است. با تسری تعهدات مربوط به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی در کنوانسیون حقوق دریاها به آثار تغییرات اقلیمی میتوان مقررات بخش پانزدهم کنوانسیون را نسبت به اعضاء این کنوانسیون به اجرا گذاشت.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- حمیدرضا وارثی، و بختیار محمدی. ۱۳۸۶. نقش عوامل انسانی در تغییرات اقلیمی و ارزیابی اثرات آن، مجله فضای جغرافیایی ۲۰: ۱۳۱-۱۴۹، ۱۵۲.
- ساسان صیرفی. ۱۳۹۲. حقوق بین‌الملل عرفی خط مبدأ مناطق دریایی؛ با نگاه ویژه به خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان. رساله دکتری. دانشگاه تهران. ۲.
- منصور پورنوری. ۱۳۸۳. حقوق بین‌الملل دریاها. چاپ اول. جلد اول. تهران: انتشارات مهد حقوق.
- علیرضا آرشیور، و فرشته بنافی. ۱۳۹۶. جایگاه اصل احتیاط در حمایت از محیط‌زیست دریا. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز ۹ (۴): ۳۱-۵۸.
- رضا اسماعیلی شریف‌آباد. ۱۳۸۰. بررسی ابعاد حقوقی آلودگی دریایی در چارچوب حقوق بین‌الملل با نگرشی بر منطقه خلیج فارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- بهرام فتحی. ۱۳۹۴. نقش دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در حفظ محیط‌زیست دریا پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی..
- فیروز محمودی جانکی و مهدی زکوی. ۱۳۹۶. سیاست جنایی ایران در جرائم علیه منابع آب با تأکید بر قوانین بین‌المللی. فصلنامه مطالعات حقوق ۱ (۸): ۲۶۳-۲۹۶.
- سید ضیاءالدین مدنی. ۱۳۹۱. محورهای ارتباطی میان تحقیقات علمی دریایی و مقوله حفاظت از محیط‌زیست دریایی: یک واکاوی حقوقی بین‌المللی. اقیانوسشناسی ۳(۱۱): ۹۱-۹۹.
- تاناکا، یوشیفومی. ۱۳۹۵. حقوق بین‌الملل دریاها. ترجمه آرمین طلعت. تهران: انتشارات شهر دانش.

(ب) منابع لاتین

- Guifang (Julia) Xue. ۲۰۱۳. Climate Change Challenges and the Law of the Sea Responses. In Oliver C. Ruppel, Christian Roschmann and Katharina Ruppel-Schlichting. Climate Change: International Law and Global Governance. Volume I: Legal Responses and Global Responsibility. Baden: Nomos: ۵۴۹-۵۹۲. ۵۵۰.
- Stephen L. Kass. ۲۰۱۲. United Nations Convention on Law of the Sea and Climate Change. New York Law Journal. Available at <https://www.clm.com/>. Last access ۲۴ September ۲۰۱۹.
- Roberto A. Cámara Stougaard-Andresen. ۲۰۱۱. Climate change and the Law of the Sea Convention. Master thesis. Faculty of Law Lund University. ۳۰-۳۱.
- Meinhard Doelle. ۲۰۰۶. Climate Change and the Use of the Dispute Settlement Regime of the Law of the Sea Convention. Ocean Development and International Law ۳۷(۳-۴):۱-۴۰. p ۱۱.
- Clive Schofield., and David Freeston. ۲۰۱۳. Options to protect coastlines and secure maritime jurisdictional claims in the face of global sea level rise. University of Wollongong Research Online. Faculty of Law. Humanities and the Arts Papers: ۱-۳۱. ۲.
- C. John Colombos. ۱۹۵۴. The International Law of the Sea . Longmans. London: Green and Co . ۶۸-۷۰.
- Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons. Advisory Opinion of ۸ July ۱۹۹۶. ۱۹. Paragraph ۲۹.
- Convention on Biological Diversity - Rio ۱۹۹۲. Entered into force on ۲۹ December ۱۹۹۳.
- Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous

Activities, Report of the International Law Commission on the Work of its fifty-third session, ۲۰۰۱.

- Vienna Convention on the Law of Treaties, Article ۳۰.

- The Convention on the Territorial Sea and Contiguous Zone; Convention on the High Seas; Convention on Fishing and Conservation of the Living Resources of the High Seas; and Convention on the Continental Shelf. UNCLOS. Article ۳۱۱.

- Roda Verheyen. ۲۰۰۵. Climate Change Damage and International Law. Boston: Nijhoff. ۱۳۹.

-Bleuenn Guilloux and Romain Schumm. ۲۰۱۶. Which International Law for Ocean and Climate? Ocean climate.org.

-UNCLOS. Preamble and Myron H. Nordquist (Ed). ۱۹۹۰. United Nations Convention on the Law of the Sea ۱۹۸۲ a Commentary. Vol IV. Dordrecht: Nijhoff Publishers. ۳۶.

-Moir L. McConnell., and Edgar Gold. ۱۹۹۱. The Modern Law of the Sea: Framework for the Protection and Preservation of the Marine Environment? Case Western Reserve Journal of International Law ۲۳(۱): ۸۳-۱۰۵.

- Heip Carlo et al. ۲۰۱۱. Climate Change and Marine Ecosystem Research Synthesis of European Research on the Effects of Climate Change on Marine Environments. Marine Board Special Report. Seventh Framework Programme.

- Responsibilities and obligations of States sponsoring persons and entities with respect to activities in the Area. Request for Advisory Opinion submitted to the Seabed Disputes Chamber. ۲۰۱۱.

-The Mox Plant Case, order of ۳ December ۲۰۱۱.